

آرمان‌های راهبردی و عمل‌گرایی تاکتیکی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران

امیررضا احمدی خوی* - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان

دکتر ابراهیم متقی - استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران

دکتر سید امیر نیاکوئی - دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه گیلان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

چکیده

آرمان‌های راهبردی سیاست خارجی ایران ریشه در فرهنگ سیاسی و شکل‌بندی‌های محیط ژئوپلیتیکی دارد. آرمان‌گرایی بنیان‌های فرهنگی و هویتی سیاست خارجی ایران را شکل می‌دهد، در حالی که مصالحه‌گرایی و عملگرایی را می‌توان در زمره عوامل تأثیرگذار بر الگوهای کنش دیپلماتیک و راهبردی سیاست خارجی ایران دانست. پرسش مقاله حاضر آن است که: «آرمان‌گرایی و عملگرایی چه جایگاهی در روند سیاست خاورمیانه‌ای ایران دارد؟» فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که: «آرمان‌گرایی مبتنی بر نشانه‌های هویتی، فرهنگی و تاریخی سیاست خارجی ایران است، در حالی که ساز و کارهای مدیریت بحران منطقه‌ای بر اساس شیوه‌های عمل‌گرایانه حاصل می‌شود.» در این مقاله از دو رهیافت هویتی و کنش عقلایی در تحلیل تصمیم‌گیری سیاست خارجی استفاده شده است. روش شناسی این پژوهش مبتنی بر رهیافت تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نظری و مستندات سیاست خارجی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: عملگرایی، آرمان‌گرایی، سیاست خاورمیانه‌ای ایران، کنش عقلایی در سیاست خارجی.

۱- مقدمه

تعامل آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران از موضوعاتی می‌باشد که توجه بسیاری از پژوهشگران سیاست خارجی این کشور را به‌خود معطوف ساخته است. موضوع چگونگی تحلیل سیاست خاورمیانه‌ای در قالب مجموعه‌ای از ارزش‌ها و سیاست‌های اعلامی در قالب انعکاس این ارزش‌ها و رویکرد همزمان به تنش‌زدایی و پیگیری بسط روابط خارجی با کشورهای منطقه نشانه‌ای از حضور همزمان دو رویکرد به ظاهر متفاوت در روند سیاست خاورمیانه‌ای ایران می‌باشد. در این خصوص پژوهش ذیل با به‌کارگیری نظریه روند سازمانی آلیسون و بررسی سیاست خارجی کشور با توجه به فرصت و تهدیدات موجود و گذشته در طول نزدیک به ۴ دهه در تلاش است تا نشان دهد که تعامل ارزش‌ها و آرمانها در سیاست خاورمیانه‌ای ایران با توجه به موقعیت کشور به‌عنوان قدرت منطقه‌ای و بازیگر میانه در حال ظهور در سیاست بین‌الملل قابل فهم می‌باشد. در این راستا ضمن بررسی رویکردهای سیاست خارجی در قبال چالش‌های به‌وجود آمده در منطقه و اقدامات دیپلماسی در این خصوص تلاش می‌شود تا پویایی آرمان-عمل‌گرایی در سیاست خاورمیانه‌ای کشور در بعد اجرا مورد بررسی قرار گرفته تا از این منظر زمینه برای درک مشخص این تعاملات فراهم گردد همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت با استفاده از چارچوب تحلیلی آلیسون در جهت فهم تعاملات درون سازمانی و با نگاهی به دورنمای تبدیل کشور به بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای و قدرت میانه در حال ظهور در نظام بین‌الملل می‌توان پویایی آرمان-عمل‌گرایی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران را به تصویر کشید. در این زمینه می‌توان عنوان نمود وجود هدف کلان در سیاست خارجی که حفظ منافع حیاتی در کنار تبدیل به قدرت مؤثر منطقه‌ای را به‌عنوان اهداف محوری ترسیم می‌نماید باعث می‌گردد که تمام بخش‌های مجری سیاست خاورمیانه‌ای کشور در سایه این اهداف به عمل پرداخته که این مسئله خود ایجاد‌کننده هماهنگی و موجب ایجاد پویایی آرمان-عمل‌گرایی می‌گردد.

در این مقاله ضمن تکیه بر ارزشهایی چون همگرایی ملل اسلامی و مقابله با ظلم و استکبار پرهیز از عدم مداخله در امور داخلی کشورها، تکیه بر تمامیت ارزی کشورها و مذاکره بر سر

موضوعات مهم با دولت‌های منطقه نشانه‌هایی از عمل‌گرایی در سیستم سیاست‌گذاری خارجی کشور به‌شمار می‌رود. اصولی مانند ام‌القری اسلامی و تلاش برای حفظ آن نشان دهنده اولویت حفظ نظام و افزایش قدرت منطقه‌ای آن در پرتوی عمل‌گرایی در عرصه خاورمیانه به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین مناطق در سیاست خارجی می‌باشد.

عمل‌گرایی در تصمیم‌سازی سیاست خاورمیانه‌ای ایران معطوف به حفظ امنیت و جلوگیری از گسترش بحران می‌باشد. بدین ترتیب که در حالی که ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه به‌دنبال تحکیم موقعیت خود می‌باشد به‌عنوان بازیگر خردمند وضعیت کنونی تثبیت شده را اولویت خود دانسته و با عمل‌گرایی به‌عنوان تاکتیک دیپلماسی خود در پی آن است که ساختارهای سیاسی موجود در منطقه حفظ گردد.

جایگاه آرمان در سیاست خاورمیانه ایران برخواسته از ارزشهای انقلاب اسلامی بوده و نقش تثبیت‌کننده دارد. برای حفظ ام‌القری اسلامی تمام اهداف کلان سیاست خارجی در پی حفظ اصل نظام به‌عنوان تنها الگوی حکومت اسلامی در جهان می‌باشد. لذا عمل‌گرایی و تکیه بر عقلانیت تصمیم‌گیری در اقدامات بازیگران سیاست خارجی کشور موجود می‌باشد. این مسئله ممکن است با الگوی عقلانیت غربی متفاوت بوده و در صدد باشد ائتلاف‌ها و اتحادهایی غیر از مدل غربی آن تشکیل دهد. آنچنان که برخی از پژوهشگران با اشاره به اتحاد ایران و سوریه ماهیت آن را در عمل‌گرایی و مصالحه‌گرایی براساس ضرورت‌های عقلانیت مدرن تبیین می‌نمایند.

۲- روش تحقیق

روش‌شناسی این پژوهش با استفاده از داده‌های تاریخی و بررسی رفتارشناسی و مطالعه روندهای اجرای سیاست خارجی ایران در محیط خاورمیانه شکل گرفته است. روندهای سیاست خارجی ایران بر اساس نشانه‌هایی از آرمان‌گرایی، هویت و نقش تاریخی در محیط منطقه‌ای شکل گرفته

است. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان واکنشی نسبت به سازوکارهایی دانست که حکومت پهلوی در وضعیت ائتلاف‌گرایی با جهان غرب قرار گرفت. ائتلاف‌گرایی در چارچوب «دکترین نیکسون»، زمینه لازم برای ظهور نشانه‌هایی از «دولت دست‌نشانده» را به‌وجود آورد.

بر این اساس نشانه‌شناسی رفتار سیاست خارجی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی ادبیات پژوهشی موجود بنیاد تحقیقی این مقاله را تشکیل می‌دهد. روندهای مدیریت بحران و حل و فصل منازعه در سیاست خارجی ایران بر اساس نشانه‌هایی از عمل‌گرایی، مصالحه‌گرایی و کنش عقلایی بوده است. اگرچه سیاست خارجی ایران ماهیت هویتی و ایدئولوژیک دارد، اما هیچگاه چنین روندی به ظهور و گسترش جنگ‌های صلیبی منجر نگردیده است. به‌نظر می‌رسد در تبیین رسوم دیپلماتیک ۴ قاعده وجود دارد. قاعده اول آن است که دیپلماسی باید از روح صلیبی عاری باشد. قاعده دوم آن است که دیپلماسی را باید از زاویه دید سایر دولت‌ها نیز پیگیری کرد. هیچ چیز برای یک دولت مهلک‌تر از خودخواهی و عدم توجه به آنچه دیگران طبیعتاً از آن می‌هراسند، یا امید به آن دارند، نیست. قاعده سوم دیپلماسی آن است که دولت‌ها باید آماده مصالحه در مورد موضوعاتی باشند که برایشان حیاتی نیست. قاعده چهارم آن است که اهداف سیاست خارجی بر مبنای منافع ملی تعریف گردیده و با قدرت مؤثر از آن پشتیبانی شود.

لذا بایستی با بررسی نظریات موجود در زمینه عقلانیت تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از یک سو و توجه به محیط استراتژیک ایران از سوی دیگر به تعریف چارچوب تحلیلی جدید در این زمینه دست یازید. بدین شکل که عقلانیت موجود در تعریف اهداف سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران را با توجه به شرایط منطقه و با عنایت به سازمان تاریخی روابط کشوری در خاورمیانه تحلیل نمود تا مدلی جدید در این زمینه تعریف شود که قابلیت تحلیل عملیاتی در روند تبیین سیاست خارجی و الگوی کنش راهبردی ایران در ارتباط با موضوعات منطقه‌ای خاورمیانه را دارا باشد.

این مدل با توجه به شرایط ایران و ساختار منازعات منطقه‌ای در دهه اخیر بایستی ترسیم شده باشد و ویژگی‌های هر کشوری که در تعامل با ایران می‌باشد را در نظر گرفته باشد. از این طریق می‌توان پی به ماهیت سیاست خاورمیانه‌ای ایران برد. بایستی اشاره نمود که آرمان‌ها در اهداف سیاست خاورمیانه‌ای ایران جای داشته اما شرایط تحقق آن و ارتباط آن همواره با امنیت ملی کشور از جمله موضوعات اصلی در اجرایی سیاست خارجی بوده است. لذا نگاه به آن با توجه به مقوله امنیت ملی و جایگاه آن در تأمین این امنیت صورت گرفته است.

عمل‌گرایی در سیاست خاورمیانه‌ای نیز به معنی از دست دادن آرمان‌ها نمی‌باشد. بلکه در فضای تعامل میان کشوری مجموعه‌ای از نهادهای سیاست خارجی در پی تحقق اهداف متنوعی هستند. به عنوان مثال نهادهای دخیل در امر فرهنگ و ارتباطات خارجی با هدف ارتباط با ملت‌ها و توده‌های مردمی از اقشار مختلف کشور هدف به تعامل می‌پردازند. لذا اجرای دیپلماسی در بعد دسترسی به ملت‌ها توسط بخش‌های فرهنگی در قالب رایزنی‌های فرهنگی، مراکز اسلامی و تبلیغی صورت می‌پذیرد.

اما هدف کلان حفظ امنیت ملی و مقاله با تهدید از جمله موضوعاتی از که همه کارگزاران سیاست خارجی در برنامه ریزی جهت اجرای اهداف خود آن را در نظر می‌گیرند. بنابراین اولویت‌های اصلی در سیاست خارجی سرلوحه تمام برنامه ریزی‌ها در اجرای سیاست خارجی است.

هریک از مراحل و روندهای سیاست خارجی و منطقه‌ای ایران در نهایت بر اساس نشانه‌هایی از مصالحه‌گرایی پایان یافته است. الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران بیشتر مبتنی بر پیوند آرمان‌گرایی هویت‌محور با مصالحه‌گرایی ضرورت‌محور بوده است.

۳- مفاهیم نظری

سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی که بر مبنای موقعیت و اهداف کلان نظام در عرصه

منطقه‌ای چیده می‌شود یکی از موضوعات جذاب پژوهشگران عرصه سیاست خارجی بوده است. اهمیت و جذابیت آن هم به این دلیلی می‌باشد که ارزش‌ها و آرمانها در سیاست‌های اعلامی از سوی مسئولین نظام نمود خاصی پیدا کرده است. اگرچه تکیه بر ارزش‌های اسلامی، مبارزه با ظلم و استکبار از موضوعاتی است که همواره در سخنان و بیان نظریات از سوی مسئولین سیاست خارجی کشور مطرح می‌شود، اما همزمان نشانه‌هایی از عمل‌گرایی در سیاست خاورمیانه ای ایران نیز دیده می‌شود.

سازوکارهای کنش راهبردی ایران را می‌توان به‌عنوان موضوعی دانست که از جذابیت لازم برای پژوهشگران سیاست خارجی و نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری برخوردار است. این گروه از پژوهشگران با مطالعه روندهای سیاست خارجی ایران و الگوی کنش در محیط‌های مختلف تلاش داشتند. مصالحه‌گرایی را می‌توان به‌عنوان بخشی از روندهای سیاست خارجی و الگوی کنش آرمانی ایران دانست. یکی از نشانه‌های اصلی مصالحه‌گرایی و کنش عقلایی مربوط به ائتلاف‌سازی است. «سان» در تعریف اتحاد و تأکید بر نزدیکی ساختارهای سیاسی جهت اتحاد دو کشور با بر شمردن دو نظام سیاسی متفاوت در ایران و سوریه آن را از جنسی متفاوت دیده که ماهیت تحلیل‌های قبلی در این زمینه را زیر سوال می‌برد (Sun, 2009: 73).

در اذهان بسیاری از پژوهشگران چگونگی اتحاد پایدار سوریه با داشتن اکثریت سنی و دولتی که توسط حزب بعث اداره شده و داشتن ایدئولوژی لائیسیتیه و پان‌عرب با نظام سیاسی شیعه موضوعی بسیار مهم می‌باشد. نویسنده معتقد است مشترکات میان ایران و سوریه در دوران دفاع مقدس موضوعاتی مانند مخالفت با عراق و به خصوص رهبر حزب بعث یعنی صدام حسین، همه اعراب به خصوص اعراب سنی بوده که بیش از واگرایی‌های ایدئولوژیک و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران کمک به نزدیکی دو کشور نموده است (Caret, 1987: 382).

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- پویایی‌های آرمان‌گرایی هویت‌محور و مصالحه‌گرایی ضرورت‌محور

نقطه اتصال آرمان‌گرایی هویت‌محور با ضرورت‌های مصالحه‌گرایی در شرایط بحرانی و ضروری حاصل می‌شود. نقطه عطف آرمان‌گرایی هویت‌محور را نشانه‌های کنش سنتی تشکیل می‌دهد. در حالی که روندهای مصالحه‌گرایی بخشی از ضرورت‌های دیپلماسی مدرن خواهد بود. پویای‌های سنت و مدرنیته بر شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران بسیار تأثیرگذار بوده است. این تأثیرگذاری بر دیدگاه‌های مسئولین تصمیم‌گیر در سیاست خارجی و از سوی روشنفکران بوده است.

موضوع مدرنیسم در ایران و چگونگی تحول جامعه ایرانی و اثر آن بر تحول اولویت‌ها و دیدگاه‌های سیاست خارجی موضوعی است که نشان‌دهنده طیفی از دیدگاه‌ها نسبت به چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی آن می‌باشد. تفاوت دیدگاه‌ها میان دولتمردان و جبهه متعدد سیاست خارجی را شکل می‌دهد و باعث می‌گردد تا رفتارهای متعددی و بعضاً متناقضی در عرصه سیاست خارجی ایران شکل گیرد. متین به این موضوع اشاره می‌کند و با استفاده از آرای متفکرینی چون شریعتی موضوع مدرنیسم در ایران را مورد تحلیل قرار می‌دهد (Matin, 2013: 131-132).

مدرنیسم و چگونگی اثر بخشی آن به ساختارهای رسمی و گروه‌های نفوذ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی باعث گردیده است تا ساختارها نیز به‌نحوی از این موضوع متأثر گردند. یعنی سازمان‌های ساختار محور و هدف محور هر کدام از بخشی از این نگاه فکری به مقوله مدرنیسم باشند. در نتیجه در عین حفظ هدف اصلی یعنی استقلال و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی هر کدام در عین ارتباط با دیگری در پی تحقق بخشی از این مدرنیسم به گمان خود باشند.

این موضوع به توسعه ناهمگون در ایران نیز باز می‌گردد که بعد از وقوع انقلاب اسلامی گروه‌ها با نحله‌های فکری متعددی را در راس دستگاه‌های اجرایی به خود دیده است. ذات ناهمگون توسعه که از دوره پهلوی در ایران به‌مثابه یک جریان مسلط بوده است پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بطن جامعه و دولت حضور مستمر داشته است. ایران به‌عنوان کشوری که نوسازی و دگرگونی را در قرن بیستم به‌طور جدی پیگیری نموده است با چالش مستمر محیط بین‌المللی و ارزشهای داخلی مواجه بوده است.

این موضوع یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی ایران بوده و این چالش مستمر در آن روند تأکید می‌نماید. در این چالش مفهوم سیاست خارجی با تعریفی که در غرب از آن صورت گرفته متفاوت می‌باشد و با اینکه سیاست خارجی ایران به مانند سایر کشورها برآمده از متن جامعه می‌باشد اما واجد دو ویژگی نیز است که یکی چالش سنت و مدرنیته و دیگری نفوذ و قدرت گروه‌ها نسبت به افراد می‌باشد

دولت انقلابی سعی بر تثبیت محیط داخلی خود دارد؛ محیطی که از نظام بین‌الملل و محیط خارجی خود تأثیر می‌گیرد. این امر تمام تصمیم‌گیری‌های سیاست دهد بدین شکل حفظ نظام سیاسی نوپا تمامی استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اجرایی آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در کنار موضوع هماهنگی بر سر اهداف کلان و استفاده از الگوی بازیگر خردمند آلیسون در این زمینه اختلاف نظر میان متصدیان و کارگزار در امر اجرای سیاست خارجی وجود داشته است.

در بعد جهان‌بینی، تعدد نگاه به انسان و محیط پیرامون او باعث گردیده تا ویژگی‌های مختلفی از رفتار او استنباط گردیده و انتظارات متفاوتی از سیاست به اجرا درآمده از سوی او ایجاد گردد. امری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی محل بحث متفکرین بوده است. در این تعامل میان برداشت‌های وجود ستیز و نقد اثبات‌گرایی و فلسفه‌ای که انسان را حقیقت می‌خواند با رویکردهای معتدل‌تر که در پی پذیرش سیاست به‌عنوان شیوه اداره جامعه می‌باشند و مدل‌های متنوع سیاست به جهان‌بینی‌های مسئولین کلان کشور شکل داده‌اند. البته نمی‌توان به تقسیم‌بندی

دقیقی در این خصوص رسید و هر مسئول را نماینده‌ای از این یا آن طیف فکری دانست بلکه می‌توان رگه‌های افکار آنها در برداشت‌های مسئولین نظام از نظام بین‌الملل، رویکردهای منطقه‌ای و امنیت ملی کشور مشاهده نمود.

با درک دو موضوع استقلال‌طلبی و کمال‌گرایی می‌بایست نحوه شکل‌دهی به باورهای مقامات نظام را توسط این دو نحله فکری تحلیل نمود. سیاست خارجی ایران از لحاظ برداشت و باورها از وضعیت نظام بین‌الملل در بحث حفظ استقلال و امنیت کشور دچار تحول عمده‌ای نشده است. نگرش ام‌القری ضرورت‌های آرمان‌گرایانه و مصالحه‌گرایانه را که مبتنی بر کنش عقلایی است، اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. دکترین ام‌القری و سیاست خارجی‌ای که حفظ ام‌القری را واجب می‌داند نشانه‌ای بر این امر می‌باشد.

ابزارها و استراتژی‌هایی که جهت حفظ استقلال و امنیت کشور به‌عنوان مهمترین باور مورد استفاده قرار گرفته است دچار تغییر شده است. به نظر می‌رسد از همین منظر است که رئالیست‌ها سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه منطق‌گرایی می‌خوانند. سیاست خارجی‌ای که تحولات ژئوپلیتیکی و ظهور ژئوپلیتیک اسلامی به آن بعد گسترده‌تری داده است. پیچیده شدن تحولات منطقه‌ای مشکلات امنیتی جدید و فراگیرتری را به‌وجود می‌آورد.

به نظر می‌رسد ماهیت سیاست خارجی ایران پس از انقلاب و علت تصمیمات متنوعی که از سوی مقامات کشور اتخاذ شده است را می‌توان اهمیت موضوع استقلال و حفظ نظام جمهوری اسلامی در یک ژئوپلیتیک سیال می‌باشد. استقلال فکری و دور بودن از تأثیر ابرقدرت‌ها، استقلال در عملکرد منطقه‌ای می‌تواند بنیادی برای تحلیل آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی توأمان در سیاست خارجی ایران باشد. نشانه‌های آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در فرآیندهای سیاست خارجی ایران هنوز در ذهنیت و انگاره نظریه‌پردازان سیاست بین‌الملل محل بحث دارد. در این فرآیند، ضرورت‌های سیاست خارجی ایران معطوف به سازوکارهایی است که بتواند اهداف راهبردی را با سازوکارهای کنش معطوف به هدف و نتیجه ترمیم و بازسازی نماید.

ساختار دیپلماتیک ایران در عین حفظ اصول سیاست خارجی یعنی پرهیز از سلطه بیگانه و حفظ امنیت ملی از بسط روابط سازنده و امنیتی شدن آن جلوگیری می‌نماید. آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان دو طیف فکری در تشکیل سیاست خارجی استقلال و بقای نظام جمهوری اسلامی را از اهداف اساسی سیاست خارجی ایران به حساب آورده و همین مسئله موجب گردیده تا این اهداف سیاست خارجی این خط قرمز رعایت شود.

۲-۴- نشانه‌های سیاست بین‌الملل و فرآیندهای امنیت منطقه‌ای در مصالحه‌گرایی سیاست خارجی ایران

در این زمینه امنیت نظام و اولویت داشتن بقای آن مهمترین هدف سیاست خارجی کشور به‌طور اعم و سیاست خاورمیانه‌ای کشور به‌طور اخص می‌باشد. نظریات امنیت در سیاست خارجی موضوع امنیتی شدن اهداف اصلی در سیاست خارجی و اهمیت عامل امنیت ساز همچنین نقش مخاطب در پذیرش اولویت این اهداف امنیتی و اولویت آن برای بقای کشور را مرحله به مرحله مورد بررسی قرار داده و اهمیت آن را پذیرفته اند (Balzacq, 2005:174).

از سوی دیگر تلاش شده است تا در تصمیم‌سازی سیاست خارجی عدم وابستگی به خارج جهت حفظ استقلال داخلی حفظ شود. این موضوع را می‌توان خاصیت دولت‌های انقلابی دانست. از این‌رو موضوع چگونگی تصمیم‌سازی در برخورد با خارج با تکیه بر عنصر عدم وابستگی به‌عنوان خاصیت اساسی دولت نهادی مطرح می‌باشد. پیوستگی با اقتصاد جهانی که منجر به وابستگی گردد به‌لحاظ ساختاری در سیاست خارجی کشور نهی گردیده است. همه دیدگاه‌ها در زمینه روابط اقتصادی خارجی با توجه به حفظ استقلال و پرهیز از وابستگی تدوین شده است. پیرسن از این حیث همه افراد و گروه‌ها اعم از اصلاح‌طلب و محافظه‌کار را معتقد به حفظ نظام و ساختار آن می‌بیند (Pesaran, 2011: 189).

تنهایی استراتژیک ایران پس از انقلاب در منطقه خاورمیانه اتخاذ رهیافت‌های حفاظتی با

هدف حفظ نظام سیاسی از گزند تهدیدات خارجی را ضروری نمود. فضای امنیتی خاورمیانه و حضور رژیم‌های رادیکال عرب از یک سو، تهدیدات ایجاد شده از سوی ایالات متحده از سوی دیگر باعث شد تغییر رهیافت‌ها ممکن نباشد. در واقع محیط پیچیده امنیتی در خاورمیانه موضوع شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی را به سادگی ممکن نمی‌سازد ارتباط با کشورهای جهان سوم و فاصله گرفتن از کشورهای غربی و تقویت نگاه بومی به اقتصاد داخلی از ویژگی‌های سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد.

رفتار سیاست خاورمیانه‌ای ایران از بدو پیروزی انقلاب عدم انطباق با ساختارهایی می‌باشد که توسط قدرت بزرگ خارجی تعریف شده است. با افول نقش این قدرت‌ها پس از جنگ سرد بازیگران منطقه‌ای قدرت قابل ملاحظه‌ای یافتند که عدم انطباق ناشی از رفتار آنها شکل خاصی به سیستم امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه داده است. در واقع درونداد که وارد نظام سیاسی این دولت‌ها می‌شود و خود ایجاد کننده برونداد چالش‌زا می‌گردد. در این زمینه می‌بایست به نقش عوامل خارجی در زمینه عدم انطباق‌گرایی کشورهای خاورمیانه اشاره نمود و علاوه بر متغیرهای محیط خارجی متغیرهای داخلی مانند نقش و برداشت همچنین ساختارهای کشورهای مذکور را در نحوه اجرای سیاست خارجی آنها حایز اهمیت به‌شمار آورد.

۳-۴- تأثیر اقدامات پیشدستانه آمریکا در الگوهای امنیت منطقه‌ای ایران

ایران پس از انقلاب به‌عنوان یک قدرت میانی در حال ظهور تمایل بیشتری نسبت به قدرت‌های سنتی میانه جهت تأثیرگذاری در عرصه منطقه‌ای داشته است. در واقع قدرت‌های میانی سنتی تمایلات کمتری به تأثیرگذاری در محیط منطقه‌ای خود نشان داده‌اند. بر این اساس سیاست خارجی مهمترین بازیگران منطقه تلاش برای دستیابی به نفوذ و قدرت تأثیرگذاری بیشتر در فرآیندهای منطقه‌ای می‌باشد. این مسئله در عین حال باعث نمی‌شود که قدرت‌های منطقه‌ای در حال ظهور در پی عنوان بازیگر مسئول نباشند. از این حیث تمایل به کسب نفوذ بیشتر در منطقه

با عمل‌گرایی ناشی از ایفای نقش شهروند مسئولیت‌پذیر و تابع هنجارهای حقوق بین‌الملل تعدیل می‌شود.

رفتار سیاست منطقه‌ای آمریکا از سال ۲۰۰۱ ماهیت تهاجمی‌تری نسبت به گذشته پیدا کرد. جورج بوش از سازوکارهای مربوط به امنیت پیشدستانه برای تأمین اهداف ملی آمریکا بهره گرفت. در چنین شرایطی، زمینه برای شکل‌گیری سازوکارهای مقابله‌جویانه ایران در برابر تهدیدات به وجود آمد. در خصوص سیاست خارجی ایران پس از تهاجم ایالات متحده به عراق عنوان می‌شود که بعد تهاجمی آن به خصوص در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد افزون گشته است اما برزگر این ادعا که سیاست خارجی احمدی نژاد در خاورمیانه تهاجمی بوده است را رد نموده و اشاره می‌کند که در غرب اغراق زیادی در خصوص آن شده است. در این فرآیند ایران تلاش نموده است تا از فرصت‌های بدست آمده استفاده نماید. به عقیده برزگر سیاست خارجی ایران پس از حمله آمریکا به عراق و اشغال آن کشور در دوران احمدی نژاد دو مؤلفه را در دستور کار خود قرار داد که شامل پرهیز از افزایش تنش با کشورهای عرب منطقه و ایالات متحده بود و سیاست اتحاد با برخی از کشورها مانند سوریه و گروه‌های غیر دولتی و نهضت‌ها مانند حزب الله بود. برزگر به تقدم زمانی و ضرورت اهداف سیاست خارجی ایران اشاره نموده و اهمیت آن را از بعد ضرورت‌های سازمانی بر ویژگی‌های شخصیت احمدی نژاد مقدم دانسته است. او منطق سیاست خارجی ایران را گذار به عمل‌گرایی می‌داند هر چند که ممکن است ویژگی‌های احمدی نژاد آن را تحت تأثیر قرار دهد (Barzegar, 2010: 174).

پرچمی همچنین رویکردهای متفاوت در ایران را با توجه به عامل متحد‌کننده حفظ نظام و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران بررسی می‌کند. یعنی تفاوت در خصوص سیاست‌های داخلی در حاشیه هدف واحد در سیاست خارجی کمرنگ می‌شود. پرچمی با طرح این مسئله که در پس سیاست اعلامی ایران عمل‌گرایی دقیقی وجود دارد و امنیت نظام را به‌عنوان هدف قرار می‌دهد در پی فهم جهت‌گیری ایران در قبال حوادث بهار عربی با رویکرد واکاوی نگرش عمیق ایران

به این موضوع می‌باشد. او همچنین مدل عراق را یکی از خواسته‌های سیاست خارجی ایران در منطقه می‌داند که در آن تعادل قدرت به نحوی است که تکثر گرایی و قدرت احزاب نزدیک به مواضع ایران در آن بیشتر باشد. در بعد داخلی به رویکرد مجلس و دولت احمدی نژاد نیز اشاره نموده و آن را به رغم اختلاف نظرهای داخلی از حیث وحدت نظر در سیاست خارجی نشانه ای از عمل‌گرایی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران می‌داند. (Parchami, 2012: 37-39).

۴-۴- نشانه‌های عمل‌گرایی در فرآیندهای سیاست خارجی ایران

تهران نسبت به تفاوت‌های کشورهای عرب نسبت به یکدیگر آگاه بوده و می‌داند تغییر ساختارهای حکومتی در آنها لزوماً منافع کشور را تأمین نمی‌کند. فضای باز سیاسی در کشورهای عرب از نظر سیاست خاورمیانه‌ای ایران موقعیت بازی برد-برد به حساب می‌آید. تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های غیر متعارف که از سوی پژوهشگران حوزه موازنه قدرت مطرح شده با عنایت به این موضوع که ایران این امر را رد نموده، اعاده کننده موازنه دانسته و آن را خارج از چارچوب‌های سیاست بین‌الملل تلقی نمی‌کند. در این زمینه والتز در مقاله ای به بیان این مطلب پرداخته که رفتار ایران به مانند سایر بازیگران نظام بین‌الملل بقا محور دانسته که درصدد حفظ امنیت خود بوده و بر اساس محاسبات قدرت تصمیم‌گیری می‌کند. والتز به این مسئله اشاره می‌کند که نگرانی‌ها از تقویت توان نظامی ایران به علت عدم درک مناسب از رفتار بازیگران در نظام بین‌الملل می‌باشد. او رفتار سیاست خارجی ایران را مانند سایر دولت‌ها مبتنی بر بقا در نظام بین‌الملل می‌بیند (Waltz, 2012: 4).

سایر پژوهشگران به مؤلفه‌های سیاست داخلی توجه نموده و آنها را به‌عنوان زمینه‌هایی که ممکن است انشقاق در سیاست خارجی بوجود آورد مطرح می‌نمایند. رویکردهای متفاوتی در ایران با توجه به عامل متحد کننده حفظ نظام و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران وجود دارد که در خصوص سیاست‌های داخلی زیر چتر هدف واحد در سیاست خارجی کمرنگ می‌شود. در پس

سیاست اعلامی ایران عمل‌گرایی دقیقی وجود دارد و امنیت نظام را به‌عنوان هدف قرار می‌دهد.

۵-۴- ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و روندهای مصالحه‌گرایی سیاست منطقه‌ای ایران

سوال اصلی برای بسیاری از پژوهشگران سیاست خارجی ایران این است که آیا روندهای ممتد بوده یا بر اساس شرایط دچار تغییر اساسی می‌شوند. ساموئل مثلث عراق، ایران و ایالات متحده را یکی از مهمترین واقعیات ژئوپلیتیک به شمار آورده و آن را یک عامل مهم و تأثیر گذار بر سیاست خارجی ایران ارزیابی می‌نماید. او فرهنگ ملی و فرهنگ سازمانی را مهمترین مؤلفه‌های تعیین کننده در سیاست خارجی ایران ارزیابی می‌کند (Samuel, 2011: 146).

یکی از وظایف دستگاه سیاست خارجی کشور به خصوص در دوره جنگ تحمیلی تقویت این آرمان ملی بوده است که این امر در سخنرانی‌های مقامات کشور و وزارت خارجه نمود می‌یابد. در حقیقت بنای سیاست خارجی کشور به خصوص در دوره عدم تعهد منفی انعکاس آرمان ملی در بعد بین‌المللی و خارجی می‌باشد. گفتمان ایده ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در خاورمیانه به‌مثابه آماده کننده ذهنیت افکار عمومی کشور در برابر تهدیدات موجود در خاورمیانه می‌باشد. این آرمان ملی در جهت اهداف کلان در سیاست خارجی به کار رفته و اهمیت آن به این علت می‌باشد که متحد کننده تمام اهداف دیگر در زیر چتر خود می‌باشد.

نکته مهم دیدگاه پژوهشگران سیاست خارجی نسبت به نوع سیاست خاورمیانه‌ای ایران است. علیرغم فعالیت‌های قابل توجه در بخش خاورمیانه‌ای سیاست خارجی ایران اغلب پژوهشگران معتقدند ایران در خصوص موضوعات نزدیک مرزهای خود با احتیاط برخورد می‌کند، موافق حفظ وضع موجود و تمامیت ارضی همه کشورها می‌باشد و ترجیح خود را در ارتباط با دولت و همکاری با آنها نشان داده است. آنها همچنین ایدئولوژی را به‌عنوان عاملی می‌دانند که ایران در چارچوب آن به دنبال منافع ملی خود می‌باشد. نقش ایدئولوژی در سیاست خاورمیانه ایران

در بسیج ملی جهت مقابله با تهدیداتی بوده است که اصل نظام را تهدید می‌نموده است (Byman-Chubin-Ehteshami, 2001: 99).

سیاست خارجی ایران در خاورمیانه در منطقه‌ای به اجرا درمی‌آید که به گفته منیر در آن حس عرب‌گرایی و عرب‌بودن ویژگی اصلی آن را تشکیل می‌دهد به همین دلیل منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای دشوار به نظر می‌رسد. سیاست عربی راه مهمی برای درک فرایندهای منطقه‌ای می‌باشد. گفتمان هویت عربی و نقش آن در دیپلماسی خاورمیانه از مؤلفه‌هایی است باعث می‌گردد جهت‌گیری سیاست خارجی کشور در خاورمیانه به سمت عمل‌گرایی و ایجاد اتحاد با کشورهای همسوی برود. هژمونی و نظم جدید در خاورمیانه توسط دولت‌های غیر عربی تشکیل خواهد شد. به عقیده منیر این روند توسط حوادث اخیر در کشورهای عربی روندی معکوس گرفته است. به همین دلیل است که ایران سعی داشته است از این حوادث گفتمانی پدید آورد که وجه مشخص آن گذر از روایت صرف عربی آن است. در مورد ایران استفاده از واژه بیداری اسلامی نشان از طرح این روایت دارد. طرح چنین روایتی در راستای حرکت ایران به سمت ایجاد معنا از بستر حوادث موجود می‌باشد. معنایی که نشان دهنده موقعیت آن کشور به مثابه یک قدرت میانه در حال ظهور می‌باشد. روندهای سیاست خارجی ایران در ارتباط با اعمال سیاست‌های عملگرایانه بوده و بعد داخلی تبلیغات سیاست خارجی را در جهت تقویت ایده ملی را به کار می‌گرفته. دستگاه دیپلماسی در کنار بخش‌های نظامی کشور به‌عنوان دو بازوی اجرای سیاست خاورمیانه‌ای به کار گرفته شده است. نقش غیر امنیتی سازی ساختار دیپلماسی در رابطه با کاهش سطح تنش در روابط خارجی با کشورهای منطقه و جلوگیری از افزایش استحکامات نظامی آن که خطری امنیتی برای کشور به شمار می‌آمده بکار رفته است (Monier, 2014: 422).

۵- تجزیه و تحلیل

۱-۵- عمل‌گرایی تاکتیکی و روندهای کنش سازمانی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران

سیاست خارجی ایران منبعث از سیستم داخلی آن می‌باشد که دو چارچوب نهادی انقلابی و ساختاری را دارا می‌باشد. چنین الگویی در سایر کشورهای انقلابی همانند اتحاد شوروی وجود داشته است. دفتر سیاسی حزب کمونیست به سازوکارهای آرمان‌گرایانه توجه داشته در حالی که وزارت امور خارجه عهده‌دار کنش سازمانی در روابط بین‌کشوری بوده است. چنین الگویی را می‌توان در ارتباط با سیاست خاورمیانه‌ای ایران نیز مورد توجه قرار داد.

در این ساختار بایستی از یکسو هماهنگی میان نهادها به وجود آمده تا هماهنگی میان تصمیمات حفظ شود و از سوی دیگر نهادهای مختلفی می‌بایست وارد فرآیند تصمیم‌گیری شوند. همین مسئله به علاوه نقش منزلت و ارزش‌های دینی چگونگی چینش اهداف سیاست خارجی را سخت‌تر می‌نماید. «ماکلیس» آمیختگی عمل‌گرایی و آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ایران را مشهود می‌بیند. او به عمق نقش دین در زندگی ایرانیان اشاره نموده و آن را به‌عنوان یکی از اجزای اساسی زندگی ایرانی به‌شمار می‌آورد.

در این حالت بخشی از اهداف ثابت هستند که با بقا و منزلت نظام ارتباط دارند. تدوین برنامه‌ها در چارچوب پیوند ارزش‌های مذهبی با آرمان‌ها در کنار اهداف عمل‌گرایانه از جمله وظایف دستگاه‌های تصمیم‌ساز در زمینه سیاست خارجی می‌باشد. در حال حاضر سیاست خارجی آقای روحانی با در نظر گرفتن رویکردهای آرمان‌گرایانه و ضرورت‌های کنش عمل‌گرایانه برای تقویت ساختار سیاسی تأکید دارند. روحانی در پیگیری منافع کشور براساس نشانه‌های کنش مبتنی بر عمل‌گرایی و آرمان‌گرایی از سوی نظام مورد حمایت قرار گرفته است. مدل سیاست خارجی روحانی به‌گونه‌ای است که شخصیت روحانی، مدل هدایت سیاست خارجی و انعکاس اقدام او که جهت تأمین منافع ملی به‌عمل می‌پردازد در تحلیل مدل سیاست

خارجی او اهمیت خاصی می‌یابد (Machlis, 2016: 360).

تعدد نهادهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی موجب ایجاد محدودیت برای ساختار دیپلماسی کشورها می‌گردد. هرگاه روند تصمیم‌گیری براساس ورودی‌ها و محدودیت‌های متفاوتی وجود داشته باشد، تصمیم‌گیری با مشکلات بیشتری همراه خواهد شد. این محدودیت‌ها را می‌توان در حوزه‌هایی مورد سنجش قرار داد که بر عملکرد ساختار دیپلماسی به‌عنوان سازمانی ساختار محور اثر می‌گذارد. نامنی استراتژیک یکی از دلایل مهم تحرک در سیاست خاورمیانه ای ایران به‌شمار می‌رود. حضور آمریکا در عراق و در کنار مرزهای ایران تلاش برای اثرگذاری بیشتر در ورای مرزها در خاورمیانه را بیشتر نموده است. ثبات ورای مرزها می‌تواند تضمین‌کننده سیاست عمل‌گرایی ایران در خاورمیانه باشد. این مسئله در کنار آرمان‌گرایی منزلت‌طلب در سیاست خارجی دنبال می‌شود. امری که اهمیت آن در برابر بقا و جلوگیری از ظهور تهدید کمتر به‌نظر می‌رسد. حضور ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقی و به دنبال تحکیم موقعیت منطقه ای خود تحلیل سیاست خاورمیانه‌ای آن را دشوار ساخته است. رهیافت دیپلماسی ایران پیگیری منافع نظام است که باعث می‌شود همسایگان آن به‌طور مداوم تاکتیک‌های خود را تغییر دهند. بی‌ثباتی سیستم امنیتی بین‌المللی و همچنین محیط امنیتی خاورمیانه تصمیم‌سازی در نظام سیاسی منطقه را مشکل می‌سازد. پرتس به عدم نهادینگی و سازماندهی در تصمیم‌سازی خارجی به علت پیچیدگی فرایند تصمیم‌گیری اشاره نموده و هویت سازمانی و پیوندهای داخلی میان تصمیم‌سازان را موجب پیچیدگی فرایند تصمیم‌گیری می‌داند (Perthes, 2010: 98).

۲-۵- عمل‌گرایی تاکتیکی در تأمین اهداف خاورمیانه‌ای سیاست خارجی ایران

ساختار دیپلماسی کشور به‌عنوان بازوی اصلی اجرای سیاست خارجی کشور تلاش نموده تا در مذاکرات با قدرت‌های منطقه‌ای که ایران کنترل مذاکره را در دست داشته باشد. استراتژی اصلی در مذاکرات دیپلماتیک بر اساس حفظ ایران انقلابی و جلوگیری از فروپاشی ساختارهای آن

بوده است. طبیعتاً ایجاد هماهنگی میان نهادهای تأثیرگذار در اجرای سیاست خارجی امری دشوار می‌باشد. این امر در قالب آرمان ملی که همان هدف کلان سیاست خارجی می‌باشد محقق شده است. دولت نهادی ایران بعد از انقلاب به مانند سایر دولت‌های خاورمیانه از موضوع ناامنی متأثر شده است. لذا اهداف نظام جمهوری اسلامی از بدو تأسیس ایجاد ثبات داخلی و تثبیت نهادها در جهت ایجاد تصمیمات مستحکم‌تر در سیاست خارجی بوده است.

حس عزت‌طلبی ایران و ایرانی اهمیت زیادی دارد که می‌تواند تا حدی محاسبات سود و زیان را تحت تأثیر خود قرار دهد. در بحث محیطی با توجه به عدم نهادینگی ترتیبات امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه احتمال از هم پاشیدگی وضع موجود می‌رود. در بحث سازمان هم تعدد نهادی و نقش‌ها همچنین اصالت هویت نقش به همراه پیوندهای عمیق داخلی تصمیم‌گیری‌ها را پیچیده‌تر می‌سازد (Golov- Guzansky, 2015: 181).

ویژگی شخصیتی تصمیم‌سازان و مجریان سیاست خارجی در کنار مؤلفه هویت از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و توانسته در برخی موارد با وارد نمودن مؤلفه‌های واقع‌گرایانه سمت و سوی تازه‌ای بدان دهد. در این خصوص می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی روحانی در سیاست خارجی اشاره نمود که براساس نگرشی است که نسبت به مدارا و پرهیز از یکجانبه‌گرایی دارد. او ابتدای شعار انتخاباتی خود را بر مدارا نهاده است و بیان می‌دارد کشور به میزان بسیار زیادی از رفتار افراطی ضرر نموده است. موفقیت در عرصه بین‌المللی و توافق با قدرت‌های بزرگ، سیاست خارجی آقای روحانی را در عرصه منطقه‌ای تقویت نموده است؛ خصوصاً اینکه پیروزی‌های نظامی ایران در عرصه نبرد باعث گردیده تا نقش ایران به‌عنوان حافظ امنیت منطقه‌ای به شکل روزافزونی از سوی کشورهای دیگر مورد شناسایی قرار گیرد (Akbarzadeh- Conduit, 2016:177-178).

اجماع نخبگان نیز در کنار برداشت‌های آنان از محیط بین‌المللی در خصوص اهداف و منافع ملی کشور امری مهم به‌شمار می‌رود. سه موضوع اصلی در فرآیند سیاست خارجی، شامل:

«هماهنگی میان دستگاه‌های دخیل در سیاست خارجی»، «پرهیز از تقابل‌گرایی و موازی‌کاری» و «پرهیز از اقداماتی که سیگنال‌های متضاد برای طرف خارجی» ارسال می‌دارد از جمله موضوعاتی است که در استراتژی کلان سیاست خارجی هر کشور می‌بایستی گنجانده شود. در زمینه تدوین سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌رغم تعریف اهداف کلان در زمینه تبیین مسئولیت‌ها و چگونگی اجرای هماهنگ سیاست خارجی، برخی از اختلاف‌نظرها و تفاوت‌های ادراکی مشاهده می‌شود.

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باعث گردیده تا همزمان از نهادهای سازمان و هدف‌محور جهت تحقق آنها استفاده نماید. بدیهی است نقش ساختار دیپلماتیک به علت حضور در صحنه روابط خارجی به‌عنوان کانال تعامل رسمی، گردآوری اطلاعات، ارسال بازخوردهای سیاست خارجی، راهنمایی و مشاوره و اجرای سیاست خارجی در برخی حوزه‌ها می‌باشد، اما به علت پیچیدگی ماهیت سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران که حضور نهادهای سازمان‌محور (کلاسیک) و نهادهای هدف‌محور (غیر سلسله‌مراتبی) را توجیح می‌کند به‌صورت همزمان از دو نهاد مذکور استفاده می‌شود.

ماهیت سیاست خاورمیانه‌ای ایران پس از پایان جنگ تحمیلی و اولویتی که کشور برای محیط استراتژیک خود قائل می‌شود باعث شده همزمان از نهادهای هدف‌محور و سازمان‌محور استفاده شود. استراتژی دولت موقت با تغییر کارگزار در ساختار سیاست خارجی تغییر نمود. وابستگی اهداف به کارگزاران و حضور کارگزاران جدید با اهداف استراتژیک جدید باعث گردید گفتمان سیاست خارجی کشور پس از غیبت دولت موقت از عدم تعهد مثبت به عدم تعهد رادیکال تغییر یابد.

ساختارهای جدید سیاست خارجی به همراه کارگزاران جدید که در فضای پس از جنگ تحمیلی برآمدند درصدد بودند تا به همراه رشد اقتصادی که یکی از اهداف سیاست خارجی کشور بود به تقویت بنیه دفاعی به‌همراه ایجاد دسته‌ای از واکنش‌های متناسب سیاسی به

بحران‌های منطقه‌ای پردازند. از جمله آنها جنگ اول خلیج فارس و سیاست عمل‌گرایانه خاورمیانه‌ای کشور در ارتباط با آن بود. این موضوع به همراه تقویت ساختارهای سپاه پاسداران و منظم‌سازی نیروهای مسلح کشور در قالب ارتش، سپاه و نیروی انتظامی بوده که حدود عملکرد هر دستگاه و وظایف آن در حفظ امنیت کشور را مشخص می‌ساخت.

به دنبال آن روابط سیاسی و منطقه‌ای ایران نیز از طریق ساختار دیپلماتیک گسترش چشمگیری یافت. مثلاً سفارتخانه کشور عربستان و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه با کشورمان قطع رابطه نموده بودند بازگشایی شد. قانون اساسی با اصلاحات جدید زمینه برای اجرای سیاست خارجی به شکل سازمان‌یافته توسط ارکان حکومتی با یک برنامه موافقت شده را ممکن‌تر ساخت. زیرا در بعد سازمانی حذف مقام نخست وزیری، افزایش اختیارات رئیس‌جمهور همراهی رئیس‌جمهور ورهبری در خصوص سیاست‌های کلان نظام برنامه‌ریزی و اجرای سیاست خارجی را منسجم‌تر ساخت. قانون اساسی جدید زمینه برای همکاری میان بازوهای حکومت را فراهم نمود هر چند رقابت‌های درون سیستمی را تشدید کرد (Ehteshami, 1995: 74-75).

پیچیدگی اوضاع خاورمیانه در اثر وقوع جنگ تحمیلی و مواضع کشورها و گروه‌های عرب به نفع دولت عراق، سیاستمداران جمهوری اسلامی را به اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه و عمل‌گرا متقاعد ساخت. اولین قدم‌ها در تشکیل نیروی قدس با هدف کمک به جنبش‌های انقلابی و مقابله با سیاست تهاجمی اسرائیل در منطقه و حمایت از گروه‌های مقابله‌کننده با صدام حسین در این دوره برداشته شد. لذا می‌توان گفت که بازوهای جدید در سیاست خاورمیانه‌ای ایران با مشاهده و درک حمایت اعراب از رژیم بعث و تنهایی استراتژیک کشور ایجاد گردید. تعدد نهادی میان ساختارهای تصمیم‌گیر در حوزه راهبردی جمهوری اسلامی ایران عرصه بازیگری هر یک از این نهادها را محدود ساخته است. نهادهای راهبردی در سیاست امنیتی و منطقه‌ای هر کشوری نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. نقش نهادهای راهبردی در فرآیند امنیت‌سازی از این جهت

اهمیت دارد که زمینه‌های لازم برای اثربخشی منطقه‌ای را امکان‌پذیر می‌سازد. چنین روندی را می‌توان به‌عنوان واقعیت راهبردی کشورهایی دانست که از سازوکارهای انقلابی و مقاومت بهره می‌گیرند.

۳-۵- راهبردهای متعارض سیاسی در نگرش منطقه‌ای ایران

گروه‌های سیاسی در هر کشوری به‌عنوان بخشی از نیروهای اجتماعی محسوب شده و در زمره «نیروهای ورودی» به حوزه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری راهبردی قرار می‌گیرند. در این فرآیند، گروه‌های محافظه‌کار، اصلاح‌طلب و انقلابی نگرش متفاوتی در ارتباط با سازوکارهای سیاست خارجی ایران دارند. بخش قابل توجهی از سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد معطوف به انتقاد از ناکامی‌های دولت اصلاحات در حوزه اقتصاد و نیاز به خودکفایی اقتصادی و رفع نیازهای روزمره مردم بوده و چنین اهدافی را در ائتلاف با آبادگران و جبهه پایداری پیگیری می‌کنند. چنین گروه‌هایی با انتقاد از روندهای سیاست داخلی و خارجی ایران در دوران گذشته، قول نظم جدید بر اساس برابری و رونق اقتصادی را می‌دادند. ارائه خدمات اجتماعی و تضمین بقای اقتصادی از جمله وعده‌های آنها بود. در این زمان فضای کشور از سمت توسعه سیاسی به سوی اهدافی همانند عدالت اقتصادی گذار می‌نمود. ماهیت نیروهای محافظه‌کار جدید در بدنه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عقبه امنیتی آنها می‌باشد که مبتنی بر نشانه‌هایی از رادیکالیسم و توده‌گرایی بود.

طبیعتاً این تفکر لوازم مخصوص به‌خود را وارد عرصه سیاست ایران می‌نمود. دیدگاه‌های سیاست خارجی محافظه‌کاران جدید بدبینی به آمریکا و سازمان‌های بین‌المللی بود که ریشه در عدم جلوگیری آنها از کندتر شدن قدرت ماشین جنگی عراق علیه ایران بود. محافظه‌کاران جدید در قالب دولت احمدی‌نژاد پذیرای دستاوردهای دولت اصلاحات نبودند. آنها درصدد بودند تا سیاست خارجی ایران با بازگشت به اصل خود در مسیری جدید حرکت نماید (Takeyh,)

استراتژی خلاقیت اجتماعی استراتژی سیاست خارجی دولت نهم و دهم بوده است. در این زمینه عقلانیت ابزاری و بر ساخته در قالب استراتژی منزلت‌طلبی چارچوب اصلی سیاست خاورمیانه‌ای ایران را تشکیل می‌دهد. این استراتژی در پی ایجاد چارچوبی جدید در طراحی سیاست خارجی کشور بر اساس ارزش‌هایی بوده است که دولت نهم و دهم و شخص رئیس‌جمهور در چارچوب آن به دنیا می‌نگریسته است. این ارزشها تاکتیک‌های خاصی را در اجرا می‌طلبیده است. این تاکتیک شکل تقسیم مسئولیت‌ها در اجرای سیاست خارجی بر هم زده و نیاز به طراحی ساختار این نوع اجرای سیاست خارجی را ضروری ساخته است.

استراتژی خلاقیت اجتماعی در سیاست خارجی احمدی نژاد به دنبال تغییر رویکردهای سیاست خارجی در جهتی بوده است که تاکتیک سیاست خارجی را در جهت دیدگاه‌های رئیس‌جمهور وقت تنظیم نماید. تغییرات تاکتیکی در عین وجود هدف کلان نظام که همان بقا و حفظ ام‌القری بوده توسعه یافته است. طاهری دو دلیل برای اتخاذ تاکتیک جدید در سیاست خارجی احمدی نژاد ذکر می‌کند: یکی از ایجاد تفاوت و پررنگ نمودن آن میان خود و رؤسای جمهور قبل از خود می‌باشد که جنبه مصالح مربوط به سیاست داخلی را دارد. به نظر طاهری احمدی نژاد تلاش داشته تا جایگاه سیاسی متفاوتی در میان حامیان سیاست‌های خود پیدا کند. دوم اینکه نگاه رئیس‌جمهور وقت و برداشت او از محیط بین‌الملل بوده که شکاف تمدنی در آن حتمی به نظر می‌رسیده. لذا دلیل سازمانی و برداشتی را می‌توان از زمینه‌های اتخاذ سیاست خارجی متفاوت احمدی نژاد دانست (Taheri, 2006: 100).

در این شرایط نقش آرمان ملی به‌عنوان هماهنگ‌کننده اهداف زیر مجموعه در سیاست اهمیت بسیاری دارد. این هماهنگی نهادهای دخیل را ملزم به رعایت حفظ اصل نظام در تعیین تاکتیک‌های اجرای سیاست خارجی می‌سازد. در میان گروه‌های مختلف سیاسی، رهبری نظام به‌عنوان رکن مهم هدایت‌کننده جهت سیاست خارجی و نظارت بر آرمان ملی و اهداف کلان

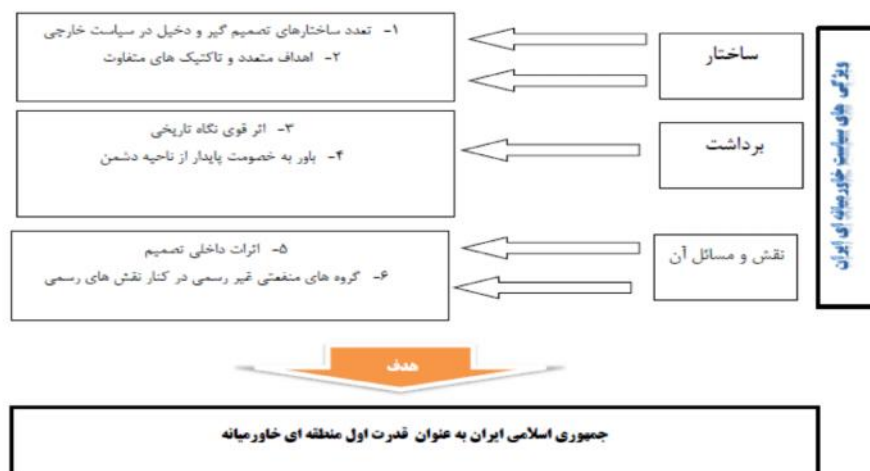
دارای نقشی حائز اهمیت می‌باشد. جهت‌گیری رهبر معظم انقلاب در سیاست خارجی در خاورمیانه و نقش قدرت‌های بزرگ ایران می‌توان بر این مبنا است که عدم حقانیت و سیاست دوگانه قدرت‌های بزرگ به خصوص ایالات متحده در زمینه خاورمیانه و همچنین ایران ثبات منطقه و تعامل با ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن را غیر ممکن و خطرناک می‌سازد. لذا در جهت‌گیری و دیدگاه کلان رهبر معظم انقلاب آن دسته از کشورهایی که متحد نزدیک ایالات متحده به‌شمار می‌روند نمی‌توانند تأمین نظم منطقه‌ای با شرکت خود کشورهای منطقه را بر عهده بگیرند. رهبری در سخنرانی‌ای که در سال ۱۳۸۱ در میان مقامات کشور ایراد نمودند که در آن مواضع ایشان در خصوص اهداف و روش‌ها در سیاست خارجی به‌روشنی بیان شده است. این مواضع نشانه‌ای آمیختگی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی دارد. ایشان از روش‌های عاقلانه در زمینه اجرای آرمان‌ها یاد می‌کنند. به‌نظر کاظم زاده، رهبری انقلاب تأکید بر آرمان‌گرایی در سیاست خارجی و تحقق آن از طریق ابزارهای واقع‌گرایانه دارند (Kazemzadeh, 2013: 453).

در متن این سیاست تلاش برای دستیابی به ثبات در کنار قدرت‌یابی منطقه‌ای از یک مسیر صورت می‌گیرد. این سیاست دو مؤلفه ظاهراً متضاد را پیگیری نموده و در دستور سیاست خارجی خود لحاظ کرده است. این دو مسئله در عین حال که دو روند متناقض به‌شمار می‌روند اما سیاست خارجی ایران به‌عنوان قدرت میانه در حال ظهور ملزم به پذیرش و به‌کارگیری آن در مجموعه اولویت‌های سیاست خارجی خود بوده است (Inafuku, 2010: 420).

می‌توان گفت سیاست خارجی عربستان و ایران هر دو پس از حملات ۱۱ سپتامبر همچنین اشغال عراق توسط ایالات متحده در رهیافت‌های خود تغییری اساسی ایجاد نمودند. از یک‌سو به‌دنبال فروپاشی حکومت صدام در عراق و روی کار آمدن دولت شیعه در بغداد فرصت مناسبی برای تهران در مستحکم نمودن مناسبات خود با دولت جدید فراهم شده بود و از سوی دیگر عربستان اقدامات جدید آمریکا را تهدیدی علیه موقعیت منطقه‌ای و امنیت ملی خود می‌دانست.

الکساندر و هونینگ نقش ساختار دیپلماسی را در اجرای عملیات سیاست خارجی به‌رغم وجود نهادهای متعدد دیگر مهم می‌دانند. سفارتخانه و دیپلمات‌ها به‌عنوان بخش‌های مهم کشور در ارتباط با کشور میزبان عمل نموده و سخنگوی رسمی سیاست خارجی کشور در ارتباط با مقامات کشور میزبان می‌باشند. لذا در هر زمان اجرای سیاست خارجی از طریق ساختار دیپلماسی و با نظر به مؤلفه اصلی منافع ملی یعنی حفظ نظام صورت گرفته و مذاکرات با مقامات هر کشوری را ساختار دیپلماسی کشور سازماندهی می‌کند. اختلافات تاکتیکی بعضاً ممکن است در اجرا به‌خصوص توسط هر دستگاه به‌چشم بخورد. اما عمل‌گرایی سیاست خارجی و حفظ نظام روندهای اجرا را هماهنگ و همبسته می‌سازد (Alexander-Hoenig, 2007: 20).

می‌توان با توجه به نکات یادشده، ساختار و هدف نهایی سیاست خاورمیانه‌ای ایران را براساس نمودار ذیل ترسیم کرد.



شکل شماره ۱: ساختار و هدف سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران

۴-۵- انگاره‌های راهبردی ایران در سیاست خاورمیانه‌ای

تفاوت‌های نگرشی در سیاست خارجی تأثیرات متفاوتی به نسبت نظام‌های سیاسی دارد. در خاورمیانه به این علت که هویت‌ها پررنگ تر از سایر مناطق جهان عمل نموده است عنصر نگرش و دید تصمیم‌سازان نسبت به محیط خارجی خود مهم بوده و در شکل‌گیری تصمیمات آنها مهم می‌باشد. در اینجا عمل‌گرایی و تلاش برای تعدیل تصمیمات در یک محیط غیرقابل پیش‌بینی اهمیت بسیار دارد. زیرا تنش‌های هویتی میان بازیگران مهم می‌تواند تقابل‌های دو کشور را به تنش‌های جدی تبدیل نماید.

مدل سیاست دیوان‌سالارانه بر اساس نظریه آلیسون را در نگاه رهبران کشور پس از پیروزی انقلاب و سیاست صدور انقلاب می‌توان مشاهده نمود. در این زمینه مارشال به نقل از حضرت امام به این موضوع می‌پردازد که «اگر ما ایزوله بمانیم مطمئناً شکست خواهیم خورد». مارشال به اختلاف نظرهای دولت موقت و سپاه پاسداران نیز اشاره نموده و بر تفاوت دیدگاه میان دو نهاد که یکی برآمده از بطن انقلاب و دیگری نهادی قدیمی و ساختار محور بوده تأکید می‌نماید. در خصوص حوزه خلیج فارس او تفاوت دیدگاه میان وزارت خارجه و نهادهای جدید همچنين روحانیت خارج از دولت را واضح قلمداد می‌کند (Marschal, 2003: 27).

موضوع شخصیت نه تنها در دولت‌هایی که ساختار سیاست خارجی آنها جوان می‌باشد بلکه در دولت‌های قوام یافته نیز در طول تاریخ به ایفای نقش مؤثر پرداخته‌اند. در اینجا می‌توان به نحو مؤثری ارتباطات انسانی و وجه شخصیتی افرادی را که سال‌ها به صورت مداوم بر روی موضوعات سیاست خارجی کار نموده را در تدوین آنچه که مدل سیاست خارجی مؤثر خوانده می‌شود تحلیل نمود. فضای بعد از انقلاب پرورش این مدل همکاری‌ها و دوستی‌های بین بروکرات‌ها را از محیط‌های آموزشی به محیط‌های اجرایی سوق داد. همکاری‌های نزدیک در داخل تیم آقای روحانی به‌عنوان دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و ارتباطاتی که در طول سالها کار میان آنها ایجاد شده مثال بارزی از نقش آموزش و همکاری در ایجاد پیوندهای گروهی در

موضوعات حیاتی می‌باشد.

برداشت از محیط و روندهای تازه به‌وجود آمده در خاورمیانه که در فضای پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌وجود آمده موضوع ظهور ژئوپلیتیک اسلامی و شکل‌گیری ام‌القری را برجسته تر می‌سازد. برداشت از محیط خارجی و نیاز به احیای مفهومی حیاتی برای بازگرداندن اهمیت تاریخی ایران و نقش آن در تعیین ترتیبات منطقه‌ای باعث شکل دادن به افکاری در زمینه احیای قدرت کشور از طریق تعیین موقعیت کشور در حوزه راهبردی و ژئوپلیتیکی می‌شود. ریشه اندیشه‌های جمع‌گرایانه در سیاست خارجی ایران آمیخته‌ای از تأثیر محیط ژئوپلیتیک خارجی به همراه انگیزش‌های ناشی از ارزش‌های انقلابی می‌باشد (Holliday, 2016: 925).

درک دقیق سیاست خاورمیانه‌ای ایران صرفاً در شرایطی امکان‌پذیر است که می‌بایست ژئوپلیتیک اسلامی را به وجه انقلابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اضافه نمود. بدین معنی که باورها و نگاه هویتی متأثر از اسلام فضای ژئوپلیتیک اسلامی را برای سیاست خاورمیانه‌ای ایران رقم زده است. استفاده از موضوع اسلام در سیاست خاورمیانه‌ای ایران موجب ایجاد مشکلات و پیچیده شدن روابط خارجی آن کشور با آن دسته از همسایگان سنی عربی شده است که در آن سکولارها حاکم می‌باشند.

استفاده از مفاهیم ضدیت، عاملیت و هژمونی می‌تواند در درک گفتمان سیاست خاورمیانه‌ای ایران ما را یاری دهد. با استفاده از مفهوم‌سازی در این زمینه و تعریف مفاهیم، درک جهت حرکت سیاست خارجی و تفاوت آن در دستگاه‌های سیاست خارجی مختلف ممکن می‌شود. گفتمان ارزش‌گرای عمل‌محور احمدی نژاد در عین قائل بودن به ارزش‌های انقلابی قادر به مصالحه در مواقع ضروری می‌باشد. در این میان بایستی به وضعیت محیط بین‌المللی نیز توجه نمود. نقش نظام بین‌الملل، دیدگاه‌های مسئولین و سیاست‌گذاران و وضعیت دولت‌ها در سیستم پیچیده امنیت منطقه‌ای خاورمیانه در توفیق هر یک از دو گفتمان مذکور مؤثر بوده است. بنابراین می‌توان به این جمع‌بندی رسید که الگوهای ارزش‌محور و ماهیت آرمانی دارد در برخی از مواقع

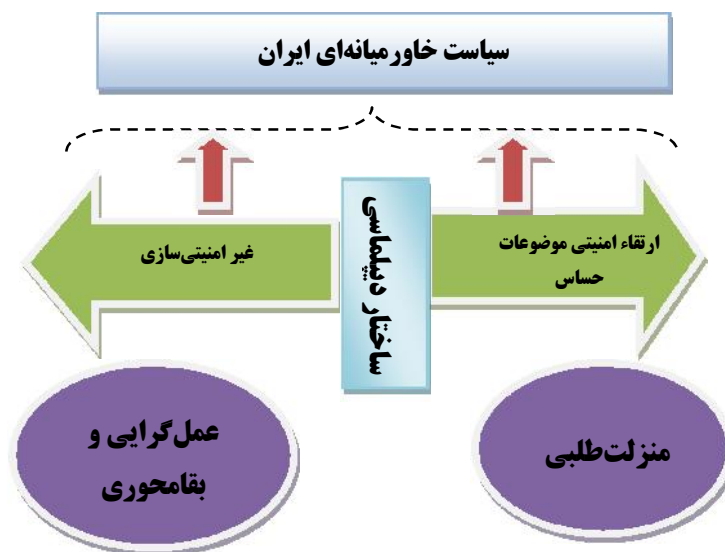
با ضرورت‌های تاکتیکی و راهبردی پیوند می‌یابد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اکنون می‌توان با توجه به بررسی عمل‌گرایی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران دست به سناریو نویسی در خصوص آینده آن یازید. موقعیت و وضعیت سیاست خاورمیانه‌ای ایران در فضایی که بازیگران بزرگ در خاورمیانه سعی در اعاده وضعیت قدرت خود دارند می‌تواند هسته اصلی تمام فعالیت‌های ساختار دیپلماسی کشور را تشکیل دهد. در فضای بی‌ثباتی فراگیر در خاورمیانه و در شرایطی که فضای بین‌المللی نیز در قبال ایران پاسخ مثبتی ندارد؛ سیاست خاورمیانه‌ای آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور ممکن است به سمت تحکیم پایه‌های قدرت در منطقه برود.

در صورتی که در عرصه بین‌المللی توافق هسته‌ای نتیجه موفق‌تری را برای ایران در بر نداشته باشد ممکن است سیاست خاورمیانه‌ای با شدت بیشتر در مرکز تلاش‌های سیاست خارجی کشور قرار گیرد زیرا امکان دستیابی به قدرت و اهمیت آن برای حفظ امنیت کشور حیاتی‌تر می‌باشد. حرکت به سمت سیاست خاورمیانه‌ای و تمرکز بر آن که در قالب مجموعه‌ای از نهادها اعم از قوه مجریه و سایر دستگاه‌ها صورت می‌گیرد در تلاش برای افزایش چانه‌زنی در برابر ایالات متحده جهت تعدیل مواضع خود در برابر ایران نیز می‌باشد. فرآیند امنیتی‌سازی در خصوص حوزه‌های غیرقابل مصالحه و غیر امنیتی‌سازی در چارچوب موضوعات قابل مصالحه به شکل همزمان صورت می‌گیرد. این شکل می‌تواند بدین صورت باشد:

شکل شماره ۲: کارکردهای ساختار دیپلماسی در بطن سیاست‌گذاری خاورمیانه‌ای



الگوی کنش منطقه‌ای ایران در خاورمیانه معطوف به سازوکارهایی از جمله موازنه راهبردی است. موازنه راهبردی در محیط پر آشوب تابعی از نقش‌یابی سیاسی و امنیتی است. تحقق این امر نیازمند تقویت بازیگران منطقه‌ای برای دفاع از دولت ملی و نهادهای منطقه‌ای خواهد بود. تقویت پایه‌های قدرتی در محیط حساس همسایه و بالا بردن توان چانه زنی در برابر آمریکا از جمله اهداف اساسی سیاست خارومیانه‌ای ایران در آینده به‌شمار می‌رود.

وجه آرمان‌گرایانه در سیاست خارجی ایران حکایت از بُعد منزلت‌طلبی دارد که در پی جایگاه والاتر در عرصه بین‌المللی و در میان کشورهای مجموعه امنیتی خاورمیانه قرار دارد. استراتژی خلاقیت اجتماعی، آرمان‌گرایی منزلت‌طلب در سیاست خارجی با توسل به ارزش‌ها را توضیح می‌دهد. زدودن مشروعیت از ارزشهای موجود منزلت و تلاش جهت ساختن معیارهای ارزشی جدید از راهبردهای این استراتژی منزلتی است.

تحول ارزش‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از تغییر به سمت ثبات از

موضوعاتی است که مورد بررسی قرار داده شده و در کنار توجه به ارزش‌هایی مانند منزلت طلبی، حرکت به سمت تغییر به‌عنوان یکی از ارزش‌های اساسی سیاست خارجی نهادینه شده است. در این چارچوب تفکر اسلامی سیاست‌گذاری از حرکت و جنبش تبدیل به پایه‌های ثبات و تأثیرگذاری سیاسی گشته است. می‌توان از این مسئله به‌عنوان مدلی نگرشی یاد نمود. مدلی که در یک زمان هم به تغییر و هم به ثبات فکر نموده و ثبات را در بطن تغییر جستجو می‌نماید. در نتیجه بایستی عقلانیت و تلاش برای تغییر را در یک زمان در سیاست خاورمیانه‌ای ایران جستجو نمود.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه گیلان در خصوص حمایت‌های صورت گرفته به جهت انجام این پژوهش قدردانی نمایند.

References

1. Akbarzadeh, Shahram, and Dara Conduit (2016). *Iran in the World; President Rouhani's Foreign Policy*. New York: Palgrave Macmillan.
2. Alexander, Yonah; Milton Hoenig (2007). *The New Iranian Leadership: Ahmadinejad, Terrorism, Nuclear Ambition and the middle East*. New York: Praeger.
3. Balzacq, Thierry (2005). "The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context." *European Journal of International Relations* 11. no. 2 171-201.
4. Barzegar, Kayhan (2010). "Iran's Foreign Policy Strategy after Saddam." *The Washington Quarterly* 33. No. 1 .173-189.
5. Byman, Daniel (2001). *Shahram Chubin; Anoushiravan Ehteshami; Iran security Policy*. Santa monica: Rand.
6. Caret, Charles (1987). "L'alliance contre-nature" de la Syrie baasiste et de la Republicque Islamique d'Iran." *Politique Etrangere* .52, no. 2 381-387.
7. Ehteshami, Anoushiravan (1995). *After Khomeini: The Iranian Second Republic*. London : Routledge.
8. Guzansky, Yoe; Avner Golov (2015). "The Rational Limitations of a Nonconventional Deterrence Regime: the Iranian Case." *Comparative Strategy*. No. 34. 169-184.
9. Holliday, Shabnam Jane (2016). "The legacy of subalternity and Gramsci's national-popular: populist discourse in the case of the Islamic Republic of Iran." *Third World Quarterly*. 37, no. 5. 917-933.
10. Inafuku, Eric (2010). "How does the Iranian 1979 Revolution Affect Current Iranian Fundamentalism and International Politics." *Journal of Applied Security Research*. 5, no. 3 . 414-436.
11. Kazemzadeh, Masoud; (2013). "Ayatollah Khamenei's Foreign Policy Orientation." *Comparative Strategy*, No. 32. 443-458.
12. Machlis, Elisheva (2016). "The Islamic Republic: A Bastion of Stability in the Region?" *Middle East Critique*. 25, no. 4. 341-363.
13. Marschall, Christin (2003). *Iran's Persian Gulf Policy: From Khomeini to Khatami*. London : Routledge.
14. Matin, Kamran (2013). *Recasting Iranian Modernity: International Relations and Social Change*. London : Routledge.
15. Monier, Elizabeth (2014). "The Arabness of Middle East Regionalism: the Arab Spring and Competition for Discursive Hegemony between Egypt, Iran and turkey." *Contemporary Politics*. 37-41.
16. Parchami, Ali (2012). "The Arab Spring: the View from Tehran ." *Contemporary Politics*. 18, no. 1. 35-52.
17. Perthes, Volker (2010). "Ambition and Fear: Iran's Foreign Policy and nuclear Program." *Survival* .52, No. 3: 95-114.
18. Pesaran, Evaleila (2011). *Struggle for Iran's Economic Independence: Reform and Counter reform in Post-Revolutionary Area*. London: Rutledge.
19. Samuel, Annie Tracy; (2011). "Iran Foreign Policy: from Khatami to Ahmadinejad." *Iranian Studies*. 45, No. 1:145-149.

20. Sun, Deganf (2009). "Brothers Indeed: Syria-Iran Quasi-Alliance Revisited." *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*. 3, No. 2. 67-80.
21. Taheri, Amir (2006). "The World and Iran's Second Revolution, American Foreign Policy Interest." *The Journal of the National Committee on American Foreign Policy*. 28, No. 2. 99-106.
22. Takeyh, Ray (2009). *Guardian of the Revolution, Iran and the World in the age of Ayatollahs*. New York: Oxford university Press,.
23. Waltz, Kenneth N (2012). "Why Iran Should Get the Bomb: Nuclear Balancing Would Mean Stability." *Foreign Affairs*. 91, No. 4: 2-5.